

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه ۲

سطح ۲

درس ۳۳

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار: آقای جمالی

مقدمه

در درس گذشته برخی از شرایط صحت روزه مانند اسلام بیان شد و مستند آنها نیز مطرح شد و در ادامه به بحث شرطیت ایمان اشاره شد.

در این درس به برخی از شرایط دیگر که عبارت‌اند از: عقل، خالی بودن از حیض و نفاس، خالی بودن از سفری که موجب قصر نماز می‌شود، می‌پردازیم.

متن عربى

٢. و اما شرطية العقل، فلعدم تأتى النية بدونه. على ان الخطاب بالتكليف إذا لم يكن شاملا للمجنون فلا يبقى دليل على الصحة فى حقه.

٣. و اما الخلو من الحيض و النفاس فلصحيحة العيص بن القاسم: «سألت أبا عبد الله عليه السلام عن امرأة تطمط فى شهر رمضان قبل أن تغيب الشمس. قال: تفطر حين تطمط» و غيرها.

و صحيحة عبد الرحمن بن الحجاج: «سألت أبا الحسن عليه السلام عن المرأة تلد بعد العصر أ تتم ذلك اليوم أم تفطر؟ قال: تفطر و تقضى ذلك اليوم»

هذا و لكن فى صحيحة أبى بصير عن أبى عبد الله عليه السلام: «ان عرض للمرأة الطمط فى شهر رمضان قبل الزوال فهى فى سعة أن تأكل و تشرب، و ان عرض لها بعد زوال الشمس فلتغتسل و لتعتد بصوم ذلك اليوم ما لم تأكل و تشرب». لانها مهجورة لدى الأصحاب و لم يعرف عامل بها فتسقط بذلك عن الاعتبار.

٤. و اما شرطية عدم السفر، فلقوله تعالى: «وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ»^١ و موثقة سماعة: «سألته عن الصيام فى السفر قال: لا صيام فى السفر قد صام ناس على عهد رسول الله صلى الله عليه و آله فسمّاهم العصاة، فلا صيام فى السفر إلا الثلاثة أيام التى قال الله عزّ و جلّ فى الحج»^٢ و غيرها.

٥. و اما اعتبار إيجاب السفر للقصر، فلصحيحة معاوية بن وهب عن أبى عبد الله عليه السلام: «... إذا قصرت أفطرت و إذا أفطرت قصرت»^٣ و غيرها.

٦. و اما استثناء المسافر الجاهل بلزوم الافطار فلصحيحة العيص بن القاسم عن أبى عبد الله عليه السلام: «من صام فى السفر بجهالة لم يقضه»^٤ و غيرها.

و اطلاقها يشمل الجاهل بأصل الحكم أو ببعض الخصوصيات، كلزوم الافطار على من سافر قبل الزوال و عاد بعده.

٧. و اما استثناء السفر بعد الزوال فهو رأى المشهور لصحيح عبيد بن زرارة عن أبى عبد الله عليه السلام: «الرجل يسافر فى شهر رمضان يصوم أو يفطر؟ قال: ان خرج قبل الزوال فليفطر، و ان خرج بعد الزوال فليصم...»^٥.

الا ان فى مقابله موثقة على بن يقطين عن أبى الحسن موسى عليه السلام: «الرجل يسافر فى شهر رمضان أ يفطر فى منزله؟ قال: إذا حدث نفسه فى الليل بالسفر أفطر إذا خرج من منزله، و ان لم يحدث نفسه فى الليل بالسفر أفطر إذا

١. بقره: ١٨٥

٢. وسائل الشيعة: باب ١١ من ابواب ما يمسك عنه الصائم، حديث ١.

٣. وسائل الشيعة: باب ٤ من ابواب من يصح منه الصوم، حديث ١.

٤. وسائل الشيعة: باب ٢ من ابواب من يصح منه الصوم، حديث ١.

٥. وسائل الشيعة: باب ٥ من ابواب من يصح منه الصوم، حديث ٣.

خرج من منزله، و ان لم يحدث نفسه من الليلة ثم بدا له في السفر من يومه أتمّ صومه»^١ و غيره الدال على اعتبار تبييت النية و باستقرار التعارض قيل يمكن ترجيح الاول لمخالفته للتقيّة^٢، و بذلك يثبت الرأي الأوّل المشهور.

١. وسائل الشيعة: باب ٥ من ابواب من يصح منه الصوم، حديث ١٠.

٢. المغنى لابن قدامى، ٣ / ١٩ و ممن قال باعمال المرجح المذكور الشيخ البحراني في الحدائق الناظرة.

ادله شرطیت عقل

در ادامه ادله شرایط صحت صوم، به ادله شرطیت عقل اشاره می‌نماییم.
 دلیل اول: کسی که عقل نداشته باشد نمی‌تواند به قصد امتثال امر، روزه بگیرد.
 دلیل دوم: در میان فقها بحثی مطرح است که آیا اصولاً تکالیف شرعی متوجه شخص مجنون و دیوانه می‌شود یا نه؟ اگر گفتیم خطابات شرعی متوجه افراد مجنون و فاقد عقل نمی‌شود، شکی نیست که روزه مجنون صحیح نیست؛ زیرا چگونه می‌توان تصور کرد که عمل این فرد، به استناد امر الهی انجام شده باشد، لذا وقتی خطاب شرعی، متوجه مجنون نمی‌شود، دلیل و امری به او تعلق نگرفته تا عملش به استناد آن امر صحیح باشد.

شرط سوم: خالی بودن از حیض و نفاس

شرط سوم از شرایط صحت روزه آن است که زنان روزه دار حائض و نفسا نباشند.^۱ و مستند این حکم روایت عیص از امام صادق علیه‌السلام است که از آن حضرت سؤال شده است که اگر زن قبل از غروب آفتاب خون ببیند حکمش چیست؟ آن حضرت فرمودند: «هر گاه زن خون ببیند باید افطار کند»؛ و نیز روایت عبدالرحمان بن حجاج مؤید این مطلب است که زنی که خون نفاس می‌بیند روزه‌اش باطل می‌شود و باید قضای آن را بجا آورد.

اشکال: در مقابل، روایاتی داریم مثل روایت ابی بصیر از امام صادق علیه‌السلام که اگر قبل از ظهر، زن خون حیض ببیند مخیر است که افطار کند یا این که روزه‌اش را ادامه دهد و در پایان همان روایت آمده است که اگر بعد از ظهر خون ببیند باید غسل کرده و روزه‌اش را تمام کند و نمی‌تواند افطار کند.

پاسخ: این روایات گرچه به لحاظ سند صحیح است، اما فقها به این روایات استناد نکرده‌اند؛ زیرا یکی از اموری که باعث می‌شود روایت علی رغم صحت سند، مورد اعراض فقیه قرار گیرد این است که فقهای گذشته به آن عمل نکرده باشند و اعراض فقها موجب کنار گذاشتن روایت می‌شود.

تطبيق

۲. و اما شرطية العقل، فلعدم تأتي النية بدونه. علی ان الخطاب بالتكليف إذا لم يكن شاملاً للمجنون فلا يبقى دليل علی الصحة فی حقه.

و اما اعتبار عقل در صحت روزه، به دلیل این است که با عدم آن، نیت صورت نمی‌گیرد؛ وقتی امر به تکلیف از سوی خداوند، شامل مجنون نیست، دلیل دیگری برای صحت صوم در حق مجنون نیست.^۲

۳. و اما الخلو من الحيض و النفاس فلصحيحة العيص بن القاسم: «سألت أبا عبد الله عليه‌السلام عن امرأة تطمت في شهر رمضان قبل أن تغيب الشمس. قال: تفطر حين تطمت^۱» و غيرها.

۱. اگر زن قبل از اذان صبح از خون حیض پاک شود و عمداً تا اذان صبح غسل نکند و یا اگر وظیفه‌اش تیمم است تیمم نکند، روزه‌اش باطل است و اگر نزدیک اذان صبح پاک شود و برای غسل یا تیمم وقت نداشته باشد، روزه‌اش صحیح است و نیز اگر بعد از اذان بفهمد که قبل از اذان پاک شده، روزه‌اش صحیح است.

۲. زیرا امری از سوی خدا به سوی مجنون نیامده است تا عمل مجنون صحیح باشد.

و اما مستند پاکی از حیض و نفاس برای صحت روزه، صحیح‌ه عیس بن قاسم می‌باشد: «از امام صادق علیه‌السلام سؤال کردم در مورد زنی که قبل از غروب خورشید در ماه رمضان حیض می‌شود، امام فرمود: در زمانی که حیض است باید افطار کند»^۲ و غیر این روایت.

و صحیح‌ه عبد الرحمن بن الحجاج: «سألت أبا الحسن عليه السلام عن المرأة تلد بعد العصر أ تتم ذلك اليوم أم تفطر؟ قال: تفطر و تقضى ذلك اليوم»^۳

همچنین دلالت صحیح‌ه عبد الرحمان بن حجاج: «از امام ابوالحسن علیه‌السلام در مورد زنی که بعد از ظهر روز ماه رمضان بچه دار می‌شود سؤال نمودم که آیا روزه آن روز را کامل کند یا افطار نماید؟ امام فرمود: افطار کند و روزه آن روز را قضا کند»

هذا و لكن في صحیح‌ه أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام: «ان عرض للمرأة الطمث في شهر رمضان قبل الزوال فهي في سعة أن تأكل و تشرب، و ان عرض لها بعد زوال الشمس فلتغتسل و لتعتدّ بصوم ذلك اليوم ما لم تأكل و تشرب»^۴. لانها مهجورة لدى الأصحاب و لم يعرف عامل بها فتسقط بذلك عن الاعتبار.

و اما در صحیح‌ه ابی بصیر از امام صادق علیه‌السلام که با آن معارض است چنین آمده: «اگر زن قبل اذان ظهر، حیض شود، می‌تواند غذا و آب بخورد و اگر بعد از اذان حیض شود باید غسل کرده و روزه‌اش را کامل کند، اگر چیزی نخورده و نیاشامیده باشد.

این روایت نزد اصحاب امامیه، (به علت عمل نکردن به آن) مهجور است و عمل کننده‌ای به این روایت شناخته نشده است؛ بنابراین، از حجیت ساقط می‌شود.

SCO۱: ۹:۴۵

شرط چهارم: عدم سفر^۵

کسی که می‌خواهد روزه بگیرد نباید در سفر باشد^۶ - البته سفری که موجب قصر نماز شود - زیرا سفر دو گونه است: گاهی کمتر از چهار فرسخ است که موجب قصر نماز نمی‌شود و گاهی بیش‌تر از آن مقدار است که در این صورت نمی‌تواند روزه بگیرد.^۱

^۱. تطمئ: به معنای خون حیض است یعنی زمانی که زن خون حیض می‌بیند.

^۲. وسائل الشیعة: باب ۲۵ من ابواب ما یمسک عنه الصائم، حدیث ۲.

^۳. وسائل الشیعة: باب ۲۶ من ابواب ما یمسک عنه الصائم، حدیث ۱.

^۴. وسائل الشیعة: باب ۲۸ من ابواب ما یمسک عنه الصائم، حدیث ۴.

^۵. مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، اما اگر برای فرار از روزه باشد بسیاری از فقها مکروه می‌دانند.

^۶. مسافر اگر قبل از ظهر به سفر می‌رود نمی‌تواند قبل از رسیدن به حد ترخص برسد روزه‌اش را افطار کند و اگر قبل از رسیدن به حد ترخص عالماً و عمدتاً افطار کند، مصداق کسی است که عمدتاً روزه‌اش را در غیر سفر باطل کرده است.

ادله شرط چهارم

(الف) دلیل این حکم آیه قرآن است که می‌فرماید: «وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ»^۲ اگر شخص مریض یا مسافر بود باید روزهای دیگری را به عنوان قضا روزه بگیرد.

(ب) روایاتی نقل شده مانند روایت سماعه که از امام سؤال می‌کند: شخصی در ماه رمضان مسافر است و توانایی روزه گرفتن دارد آیا می‌تواند روزه بگیرد؟ امام می‌فرماید روزه گرفتن در سفر صحیح نیست و به زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله - که افرادی در سفر روزه گرفتند و پیامبر آنان را معصیت کار خطاب کرد - استشهاد می‌کنند. البته این حکم در برخی از موارد تخصیص خورده است و علی‌رغم این که فرد در سفر است، اما باید روزه بگیرد و آن نسبت به کسی است که در ایام حج عملی را مرتکب شود که کفاره^۳ بر ذمه او بیاید، در این صورت بر او لازم است که سه روز در آنجا روزه بگیرد و بقیه را در وطنش بگیرد.

اشکال: روایت سماعه، مضمرة^۴ است و نمی‌گوید از چه کسی سؤال کردم و می‌گوید: سنلته، از ضمیر استفاده می‌کند - بنابراین نمی‌توان به آن تمسک کرد.

پاسخ: با این که فقها به روایات مضمرة استدلال نمی‌کنند، اما در این مورد چون راوی سماعه است، مورد اعتماد است و باور فقها بر آن است که سماعه از غیر امام روایت نقل نمی‌کند؛ لذا حجت است. نکته حایز اهمیت این است که مسافر باید در سفری باشد که موجب قصر شود و دلیل آن، روایت «إِذَا قَصُرْتَ افطرت...» که در این باب آمده است.

تطبیق

۴. و اما شرطية عدم السفر، فلقوله تعالى: «وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ»^۵ و موثقة سماعة: «سألته عن الصيام في السفر قال: لا صيام في السفر قد صام ناس على عهد رسول الله صلى الله عليه و آله فسمّاهم العصاة، فلا صيام في السفر إلا الثلاثة أيام التي قال الله عزّ و جلّ في الحج»^۶ و غيرها.

۱. در سه مورد روزه از مسافر صحیح است: (الف) روزه‌ای که عوض قربانی در حج است. (ب) اگر حاجی در روز نهم تا غروب آفتاب در عرفات نماند بر اوست که شتری کفاره دهد و اگر نتوانست باید هیجده روز روزه بگیرد و این روزه در سفر نیز صحیح است. (ج) جایی که نذر کند در سفر روزه بگیرد.

۲. بقره: ۱۸۵.

۳. کفاره: در لغت به چیزی می‌گویند که گناه با آن پوشانده می‌شود و در فقه، تصرفی که شارع آن را برای از بین بردن گناه معینی واجب کرده است، مانند آزاد ساختن بنده، روزه گرفتن و طعام دادن به فقیر و غیر آن. «فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، ص ۴۱۷».

۴. مضمرة: به روایتی گفته می‌شود که از معصوم نقل شده است، اما به اسم معصوم تصریح نشده است؛ بلکه به جای اسم از ضمیر استفاده شده است.

۵. بقره: ۱۸۵.

۶. وسائل الشیعة: باب ۱۱ من ابواب ما یمسک عنه الصائم، حدیث ۱.

و اما مستند این که عدم سفر، در صحت روزه شرط است، آیه شریفه: «هر کس بیمار یا در سفر باشد، ماه‌های دیگر روزه بگیرد» و موثقه سماعه می‌باشد: «از او سوال کردم در مورد روزه در سفر، فرمود: هیچ روزه‌ای در سفر وجود ندارد، در زمان پیامبر بعضی‌ها در سفر روزه گرفتند و پیامبر آن‌ها را گناهکار نامید و فرمود: هیچ روزه‌ای در سفر وجود ندارد، مگر سه روز در ایام حج که خداوند به آن‌ها امر کرده است» و غیر این روایت.

۵. و اما اعتبار إيجاب السفر للقصر، فلصحيحة معاوية بن وهب عن أبي عبد الله عليه السلام: «... إذا قصرت أفطرت و إذا أفطرت قصرت»^۱ و غیرها.

اما مستند این که سفر باید موجب شکسته شدن نماز باشد، (نه سفری که در آن نماز کامل خوانده می‌شود) صحیحه معاویه بن وهب از امام صادق علیه‌السلام می‌باشد: «اگر نماز را شکسته خواندی، روزه افطار می‌شود و اگر روزه را افطار کردی، نماز شکسته می‌شود.»

SCO۲ : ۱۶ : ۱۵

موارد استثنا

از احکامی که گفته شد چند مورد استثنا شده است:

۱. شخص جاهل: اگر کسی در سفری باشد که موجب قصر نماز می‌شود، اما نمی‌داند که روزه در سفر، صحیح نیست؛ در این مورد، روزه‌ای که می‌گیرد صحیح است و مستند این حکم مضمون روایتی است که می‌فرماید: کسی که در مسافرت از روی جهالت روزه بگیرد، قضای آن روز بر او واجب نیست.

سؤال: منظور از جهالت در این روایت چیست؟ آیا جهل به اصل حکم است یا در مورد شخصی است که می‌داند در مسافرت روزه باطل است اما خصوصیات را نمی‌داند؛ مثلاً مسافری که لزوم افطار را نمی‌داند؛ یعنی تصور می‌کند که شخص مسافر مخیر است که روزه بگیرد یا نگیرد و نسبت به لزوم افطار جاهل است.^۲

پاسخ: این روایت مطلق است، زیرا جهالتی که در روایت آمده هم شامل جهالت به اصل حکم می‌شود و همچنین موردی را شامل می‌شود که حکمش را می‌داند و جزئیات را نمی‌داند و لذا لفظ جهالت شامل این مورد هم می‌شود.

۲. مسافری که بعد از زوال حرکت می‌کند: چنین فردی روزه همان روزش صحیح است، برخلاف کسی که قبل از زوال حرکت کند. و مستند این حکم روایتی است که وارد شده است.

اشکال: روایتی از علی بن یقطين وارد شده که از امام سؤال می‌کند آیا کسی که قصد دارد به مسافرت برود می‌تواند در شهر خودش افطار کند؟ امام فرمود: چنین شخصی که اندیشه و تفکر رفتن به سفر دارد، می‌تواند افطار کند، اما اگر برنامه‌ای برای مسافرت نداشت و روز شد و مسأله‌ای اتفاق افتاد و ناگهان قصد سفر نمود، این شخص نمی‌تواند در شهر خودش افطار کند، این شخص هر چند قبل از زوال هم سفر کند روزه او صحیح است؛ بنابراین

^۱. وسائل الشیعة: باب ۴ من ابواب من یصح منه الصوم، حدیث ۱.

^۲. صاحب عروه مثال دیگری مطرح می‌کند؛ مثل این که از وطن اصلیش اعراض کرده ولی فکر می‌کند هنوز نماز در آنجا تمام است.

دو روایت با هم تعارض پیدا می‌کنند یک روایت می‌گوید به طور کلی سفر موجب بطلان روزه است و این روایت تفصیل می‌دهد که اگر قصد سفر داشته نمی‌تواند روزه بگیرد، اما اگر به طور ناگهانی برنامه سفر پیش بیاید، روزه باطل نیست.

در مواردی که دو روایت با یکدیگر تعارض کنند باید به سراغ مرجحات^۱ برویم؛ روایات دسته اول مرجح دارند، زیرا مخالف با تقیه‌اند و روایات دسته دوم موافق با تقیه^۲ هستند، چون نظر اهل سنت هم این است که می‌توان در سفر روزه گرفت و مخالفت با نظر اهل سنت به عنوان مرجح است؛ بنابراین حق با مشهور است که اگر قبل از زوال به مسافرت رود، روزه آن روزش صحیح نیست؛ خواه این که با برنامه قبلی باشد یا نباشد.

قبل از ظهر به سفر رود می‌تواند افطار کند.

بعد از ظهر به سفر رود مشهور می‌گویند: باید روزه اش را بگیرد.

قبل از زوال به مقصد رسیده است، اگر مفطری را انجام نداده روزه اش را بگیرد.

بعد از زوال به مقصد رسیده است، اگر مفطری را انجام نداده باید روزه اش را ادامه دهد.

مستند عدم صحت روزه در سفر آیه قرآن کریم است.

مسافری که از روی جهالت در سفر روزه گرفته قضا ندارد.

سفر در هنگام روزه

تطبیق

۶. و اما استثناء المسافر الجاهل بلزوم الافطار فلصحيحة العيص بن القاسم عن أبي عبد الله عليه السلام: «من صام في السفر بجهالة لم يقضه»^۳ و غیرها.

۶. و اما دلیل این که جاهل به حکم افطار در حین سفر، از وجوب قضا استثنا شده (و قضا بر او واجب نیست) به دلیل صحیح عیص بن قاسم از امام صادق علیه‌السلام «هر کس در سفر روزه بگیرد در حالی که جاهل به حکم باشد، لازم نیست اعاده و یا قضا نماید» و غیر از این روایت است که بر موضوع دلالت دارند.

و اطلاقها يشمل الجاهل بأصل الحكم أو ببعض الخصوصيات، كلزوم الافطار على من سافر قبل الزوال و عاد بعده.

۱. مرجح چیزی است که دلیلی را بر دلیل دیگر ترجیح داده و باعث از بین رفتن تعارض بین دو دلیل گردد. مرجحات باب تعارض بر انواعی است از جمله: الف) روایتی که جدیدتر باشد مقدم است. ب) روایتی که روای آن عادل‌تر، قویه‌تر، راستگوتر، و با تقوی‌تر باشد مقدم است. ج) و اگر در شرایط فوق یکسان بودند آن زمان باید به روایتی عمل کرد که، موافق با قرآن باشد و اگر هر دو موافق با قرآن بود، به روایتی عمل شود که مخالف با عامه است؛ «زیرا خبری که موافق عامه باشد احتمال تقیه در آن وجود دارد» «فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، ص ۱۴۹».

۲. تقیه: در لغت به معنای ترسیدن و اجتناب کردن است و اصطلاحاً، اظهار کردن برخلاف اعتقادات برای حفظ جان از آزار دیگران اطلاق می‌شود. «فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی».

۳. وسائل الشیعة: باب ۲ من ابواب من یصح منه الصوم، حدیث ۱.

اطلاق این صحیح، شامل جاهل به حکم، همچنین جاهل به برخی از شرایط و خصوصیات حکم، می‌شود مانند: لزوم افطار بر کسی که قبل از اذان ظهر سفر کند و بعد از آن برگردد نیز می‌شود.

۷. و اما استثناء السفر بعد الزوال بخلاف ما کان قبله، فهو الرأى المشهور لصحیح عبید بن زرارۃ عن أبی عبد الله علیه‌السلام: «الرجل یسافر فی شهر رمضان یصوم أو یفطر؟ قال: ان خرج قبل الزوال فلیفطر، و ان خرج بعد الزوال فلیصم...»^۱.

دلیل استثنا شدن سفری که بعد از اذان ظهر باشد (مبطل روزه نیست) بر خلاف سفری که قبل از ظهر باشد، رای و نظر مشهور و صحیح عبید بن زرارۃ از امام صادق علیه‌السلام است «مردی در ماه رمضان سفر می‌کند، آیا روزه بگیرد یا افطار کند؟ امام فرمود: اگر قبل از زوال سفر کرد افطار نماید و اگر بعد از زوال سفر کرد روزه بگیرد».

الا ان فی مقابله موثقة علی بن یقظین عن أبی الحسن موسی علیه‌السلام: «الرجل یسافر فی شهر رمضان أ یفطر فی منزله؟ قال: إذا حدّث نفسه فی اللیل بالسفر أفطر إذا خرج من منزله، و ان لم یحدّث نفسه فی اللیل بالسفر أفطر إذا خرج من منزله، و ان لم یحدّث نفسه من اللیلة ثم بدا له فی السفر من یومه أتمّ صومه»^۲ و غیره الدال علی اعتبار تبییت النیة

در مقابل این روایت، موثقة علی بن یقظین از امام موسی بن جعفر علیه‌السلام است: «مردی در ماه رمضان مسافرت می‌کند آیا در خانه‌اش افطار کند؟ امام فرمود: اگر با خودش در شب در مورد مسافرت حرف زد، موقعی که از خانه‌اش بیرون آمد افطار کند و اگر با خودش در شب در مورد سفر حرفی نزد و در روز نیت سفر کرد، روزه‌اش را کامل کند» و غیر از این روایت که دلالت می‌کند نیت روزه گرفتن باید تبییت شود (در شب نیت روزه شود).

و باستقرار التعارض قیل یمکن ترجیح الاول لمخالفته للتقیة^۳، و بذلک یتبث الرأى الأول المشهور.

با استقرار تعارض^۴ گفته شده قول اول ترجیح دارد، چون مخالف تقیه است، و با مخالف تقیه بودن، قول اول که مشهور بود ثابت می‌شود.

SC03: ۲۷:۶

^۱ وسائل الشیعة: باب ۵ من ابواب من یصح منه الصوم، حدیث ۳.

^۲ وسائل الشیعة: باب ۵ من ابواب من یصح منه الصوم، حدیث ۱۰.

^۳ المغنی لابن قدامی، ۳ / ۱۹ و ممن قال باعمال المرجح المذكور الشیخ البحرانی فی الحدائق الناظره.

^۴ تعارض: یعنی این که دو چیز در مقابل هم قرار گرفته باشند و دو روایت در زمانی متعارض می‌شوند که از همه جهات با هم یکسان بوده اما هر یک دیگری را نفی می‌کند؛ تعارض اصطلاحاً فرع بر حجیت است.

چکیده

۱. دلیل شرطیت عقل در صحت صوم دو چیز است:
الف) نیت قصد قربت برای غیر عاقل امکان پذیر نیست.
ب) خطابات شرعی متوجه افراد فاقد عقل نمی‌شود.
۲. روایتی که می‌گوید: «اگر زن قبل از زوال خون دید روزه اش را افطار کند، اما اگر بعد از زوال بود غسل کند و روزه آن روزش را بگیرد» مورد اعراض فقها قرار گرفته است.
۳. مسافر اگر نسبت به اصل حکم روزه در سفر یا نسبت به برخی از خصوصیات آن جاهل باشد و روزه بگیرد قضا و یا اعاده لازم نیست.
۴. صحیحہ معاویہ بن وهب از امام صادق علیه السلام «اذا قصرت افطرت...» دلیل بر وجوب افطار در سفری است که نماز در آن قصر خوانده می‌شود.
۵. اگر بعد از زوال به مقصد برسد یا به جایی برسد که قصد اقامت در آنجا را دارد و چیزی از مفطرات روزه را نیز انجام نداده باشد باید آن روز را تا آخر روزه بگیرد.
۶. به نظر می‌رسد صحیحہ عبید بن زرارہ با موثقہ علی بن یقطین در موضوع افطار در مسافرت قبل از زوال، معارض باشد و ترجیح با صحیحہ است؛ زیرا مخالف تقیه است.